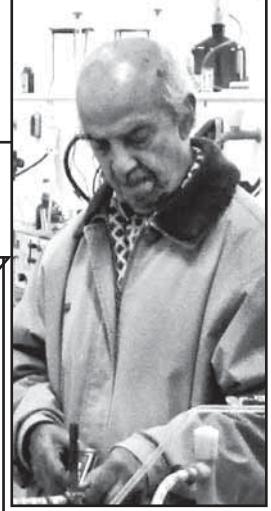


حغیر شیخ‌الاسلامی
دیر بازنشسته و ریس
سابق انجمن معلمان
شیمی اصفهان



روابط پیاده‌نگاری

و متوجه اهمیت و ضرورت کار شد و دانست که ما در آن جا کارهای علمی، تجربی و پژوهشی انجام می‌دهیم و قصدمان واقعاً خدمت به معلمان است. طرح و پیشنهاد ما را پسندید و حدود چهارصد میلیون تومان برای این کار اختصاص داد. بهزودی دانستیم که عامل این بخشش، مادر آقای پورقدیری [حاجیه‌خانم کلباسی] بوده است. خانم پورقدیری چون یکی از فرزندان خود را از دست داده بود، برای ترویج روح او در نظر داشت مدرسه‌ای به نامش بسازد. همان‌طور هم که می‌دانید و حتماً دیده‌اید، نام مرحوم پورقدیری بر سردر ورودی مرکز تحقیقات معلمان اصفهان نوشته شده است. خداوند او را غریق رحمت خود.

بنته در ساخت بنا مشکلاتی به وجود آمد که باعث شد برای مدتی کار متوقف شود و به‌طور کلی با تأخیر زیاد به بهره‌برداری برسد؛ چون می‌خواستند بنا را روی زمین موقوفهٔ مرحوم عطاء‌الملک (دهش) بسازند (و عده‌ای در شرعی بودن این کار تشکیک می‌کردند).

بالآخره گویا موضوع را از امام خمینی (ره) استفسار کردند و امام موافقت کردند که ساختمان روی همین زمین ساخته شود. در هر حال تأخیر، هزینه را خیلی بالا برد. ولی خوش‌بختانه آموزش و پژوهش اصفهان خودش بودجه قابل توجهی روی آن گذاشت و بالآخره ساختمان را تمام کرد که سرانجام در سال ۸۷ با حضور وزیر وقت آموزش و پژوهش - آقای علی احمدی - افتتاح شد. ساختمان بسیار مجلل و مناسب است در خیابان شمس آبادی.

در این جا خوب است از شادروان دهش (عطاء‌الملک) یاد کنیم که ورثه او خانه‌اش را به آموزش و پژوهش اهدا کردند و برای نخستین‌بار در ساختمان اصلی آن، موزه آموزش و پژوهش استان اصفهان تشكیل شد که هنوز هم هست و در قسمتی از زمین آن هم همین مرکز تحقیقات را ساختند. عطاء‌الملک کسی است که در آلمان درس خوانده و مهندس شده بود و اولین کارخانه برق (توربین) را او در اصفهان به نام «کارخانه نور» تأسیس کرد و خلاصه باقیات الصالحاتی از خودش به جا گذاشت که همان «نور» است، و چه چیزی بهتر از این!

وقتی در سال ۱۳۵۷ انقلاب پیروز شد، از تهران دستوری آمد که برای ریاست آموزش و پژوهش استان، معلمان از میان خودشان یک نفر را انتخاب و معرفی کنند تا ابلاغ او از تهران صادر شود. ما هم از فرهنگیان شهر دعوت کردیم و آقای حسن نیل فروشان را، بته پس از معرفی و تبلیغ و رأی‌گیری از معلمان و همکاران، انتخاب کردیم و ایشان شد مدیر کل آموزش و پژوهش استان. آقای نیل فروشان که از دیران بر جسته و از دوستان خودمان بود و با نظر و رأی ما انتخاب شده بود و خواست قبلي ما را می‌دانست، در همان ابتدا مدرسه‌ای را در اختیارمان گذاشت تا آن را برای فعالیت‌های تحقیقاتی در نظر بگیریم. ما هم فوراً مدرسه را تصرف کردیم و تابلوی «مرکز تحقیقات معلمان اصفهان» را بر سردر آن زدیم. محلی بود در خیابان سیدعلی خان، نزدیک خیابان چهارباغ. شروع به کار کردیم و چند سالی آن جا بودیم. مدیران کل بعدی که آمدند، چند نفرشان با بودن چنین مرکزی موافق نبودند و بدشان نمی‌آمد آن را منحل و به مدرسه تبدیل کنند، ولی توانتند. بتنه چند نفر از مدیران کل بعدی هم بر عکس، همکاری‌های خوبی داشتند. به هر حال، بعد اما را منتقل کردند به ساختمان دیگری در کوچه حسن‌آباد، نزدیک چهارراه نقاشی در مدرسهٔ حاتمیک. در آن جا وضعیت بهتری داشتیم؛ مثلاً کتابخانه‌ای با هشتادهزار جلد کتاب در آن جا بود. با این حال، ما نیازمند ساختمان مناسب‌تری بودیم که خاص مرکز تحقیقات باشد؛ یعنی کلاس، آزمایشگاه، کتابخانه و دیگر امکانات به اندازه کافی داشته باشد.

این وضعیت بود، تا این‌که روزی یکی از دوستان ما آمد و گفت شخصی آمده است و می‌خواهد یک واحد آموزشی برای آموزش و پژوهش بسازد. در واقع شخص خیری پیدا شده بود برای ساختن مدرسه، ایشان آقای پورقدیری نام داشت. ما به فکر افتادیم که این کار خیر یا آن شخص خیر، یعنی آقای پورقدیری را به طرف ساختن مرکز تحقیقات معلمان هدایت کنیم. این بود که رفته‌یم با او مذاکره کردیم و پیش‌نهاد کردیم که هرینه ساخت مرکز تحقیقات را تقبل کند. ایشان آمد و محل کار ما را دید